



ما همه برای خداییم

حدادیان در برنامه زنده جام جمع با اشاره به بیماری فراگیر کرونا آن را فرصتی برای نزدیکی به خدا دانستند و گفت: در بلا باید موضع‌گیری مشخصی نسبت به خدا داشته باشیم. هر بلا با یک سوال نازل می‌شود، سوال این است؛ تو برای چه کسی هستی؟ این بلا می‌تواند مریضی باشد یا داغ عزیزی ببینیم یا حتی مالی را از

دست بدهیم، در همه این احوال این سوال تکرار می‌شود که تو برای چه کسی هستی؟ یادت باشد که تو برای خدا هستی. این مداح اهل بیت جمله معروف اناالله و انا الیه راجعون را هم این‌گونه تفسیر کرد: «اناالله» را همه فکر می‌کنند برای مرگ است، این طور نیست، وقتی مریض



گزیده‌ای از گفت‌وگوی زنده برنامه «جام جمع» با حاج سعید حدادیان

از عناوین جهان نوکری‌اش ما را بس

«جام جمع» نام برنامه زنده روزنامه جام جم است که در بستر اینستاگرام پخش می‌شود و در اولین قسمت آن و روز نیمه شعبان میزبان سعید حدادیان، شاعر و مداح اهل بیت (علیهم‌السلام) بود. سعید حدادیان متولد سال ۴۴ است و با اینکه او را بیشتر به عنوان مداح و نوحه‌خوان می‌شناسیم، اما وی از سال‌ها قبل دستی در نویسندگی داشته و نقد فیلم را هم به صورت جدی دنبال کرده است. مصطفی امامی، مجری و خبرنگار برنامه جام جمع بود و مصاحبه به مدت یک ساعت و زنده از اینستاگرام روزنامه جام جم پخش شد. در این گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در این گفت‌وگو را می‌خوانید.

مجازیست

در حقیقت کار جامعه‌شناسی بوده؟

دقیقا. برای مثال در همین قضیه کرونا هم ما با این روبه‌رو بودیم و برای برخی جا نیفتاد که اصلا چرا باید هیات را تعطیل کنیم!

همین امروز هم حضرت آقا فرمودند که باید با مردم صریح صحبت شود تا از همه چیز خبر داشته باشند. اگر از همه چیز باخبر باشند سیزده به در را هم تعطیل می‌کنند.

مثلا در مورد همین سریال «پایتخت» اگر بچه‌های آنها را توجه کنید، فضای جامعه را برایشان توضیح دهید، فضای جهان اسلام چطور است و آنها را توجه‌کنند که این تلویزیون هم سرگرمی است، هم آموزش و هم تعلیم و تربیت! در این صورت هم مشکلی پیش نمی‌آید.

جواب آروونه می‌خواهیم/من می‌دانم شما مخاطب حرفه‌ای تلویزیون هستید، پایتخت را هم دنبال می‌کنید.

جواب نه آره است و نه نه! من مخاطب حرفه‌ای تلویزیون هستم، چون هیچ وقت سراغ ماهواره نمی‌روم و با خانواده به تماشای برنامه‌ها می‌نشینیم و همسرم هم خیلی پیگیر است. خانم من به سریال‌ها علاقه زیادی دارد و بچه‌ها هم بالطبع همراهی می‌کنند. اما می‌دانستید من کارم نقد محتوای فیلم بوده و دوره آن را دیده‌ام.

به چه کسی

زنگ زدید؟

من با همه روسای تلویزیون دوره گذشته آشنا هستم.

به مجموعه پایتخت ۶ نمره قبولی می‌دهید؟

از نظر بازیگری همه‌شان ۲۰ هستند، از لحاظ قصه جای کار دارد، چون من اصلا دوست نداشتم که قهرمان‌های

پایتخت وارد مقوله مواد مخدر شوند، آن هم به این گسترده‌گی. از طرفی سریال شاه دیالوگ‌های زیادی دارد.

سری برنامه «برنده باش» هم رفته بودید؟

زنگ زدم به آقای گلزار و گفتم که زنگ زدم تشکر کنم. به خودش هم گفتم که برنامه را نمی‌دیدم، اما خانواده‌ام گفتند که در این برنامه به شهدا و جانبازان و مدافعان حرم احترام می‌گذارند. گلزار خیلی خوشحال شد و بعدا هم تماس گرفت و گفت پیش ما بپایید و من هم سری به برنامه زدم.

قدردان حاتمی‌کیاها نیستیم

دزنگ

حدادیان با اشاره به این‌که باید زندگی حاج قاسم و شهدا در آثار سینمایی ما بازتاب داشته باشد، تاکید کرد که این خارجی‌ها اگر یک‌دهم حاتمی‌کیا را داشتند، او را روی چشمشان می‌گذاشتند، اما ما اینجا حاتمی‌کیا را مسلسل‌وار می‌زنیم و قدر او را نمی‌دانیم. ما قدردان نیستیم، یک نفر مانند حاتمی‌کیا هست که با تعهد کار می‌کند.

باید بگوییم آقایان هنرمند این همه خانواده شهید مدافع حرم داریم، انگیزه‌های آنها برای شما قابل تامل نیست؟ نباید بررسی شوند؟

امروز روز میلاد امام زمان (ارواحنا فداه) است، رهبر معظم انقلاب هم سخنرانی داشتند و نکته خوب و نگاه بدیعی را اشاره کردند که انتظار در

واقع امید است.

انتظار برای ما امیدبخش است و ما پیش‌بینی این را داریم که جهان یک آینده خیلی خوبی دارد. روایتی وجود دارد که می‌گوید حتی اگر یک روز به آخر دنیا مانده باشد، باز هم همان یک روز منتظر ظهور باشید.

همه ما تعدادی آرزو داریم، آرزوی حاج سعید حدادیان چطور بعد از عمری خوندن می‌تواند این باشد که وقتی حضرت ظهور کردند، در مراسم دیدار عمومی ایشان با امت اسلامی بخوانند؟

من سه آرزو دارم، اولی فرج حضرت ولیعصر (ارواحنا فداه) است. دومی شهادت است، نه این‌که عاشق باشم، چون شهادت بهترین نوع انتقال از این دنیا به دنیای آخرت است و الان یادم هست که نیمه شعبان سال ۶۶ در جبهه، امام جمعه دامغان در تیپ قائم وقتی سخنرانی کرد، گفت که امروز امام امت فرموده‌اند یک دست قرآن و یک دست سلاح، روزی که حضرت ولیعصر بیایند، هر دو دست سلاح است و آن روزها وقتی ما زیارت عاشورا می‌خواندیم، می‌گفتیم که درست است الان برای مجاهدت اینجا آمده‌ایم، اما دنبال این هستیم که در رکاب حضرت ولیعصر باشیم.

یک شعر خوب دارید که حاج آقا طاهری آن را خوانده است. چطور شعر به این خوبی بوده و شما خودتان نخواندید؟

سبک را ایشان می‌گفت، شعر را من می‌گفتم، اشعاری را هم که به این شکل با هم کار کردیم، خیلی خاص شده‌اند. ولی باید بگویم من افتخار می‌کنم اگر فرصتی پیش بیاید که برای دوستان دیگر شعر بگویم که آنها بخوانند. من از ابتدا شعر می‌گفتم.

شاید خیلی‌ها این موضوع را ندانند یا اصلا نظر سیدالشهداست که شما به عنوان خواننده مطرح هستید، اما شما توانایی‌های دیگری هم دارید، شما مداح هستید، اما سیر مطالعاتی عجیبی هم دارید و این خیلی جذاب است.

الان همه بازیگرها می‌خواهند، خواننده شوند؛ همه خواننده‌ها هم می‌خواهند بازیگر شوند. من سرجای خودم هستم، می‌خواهم به امام حسین (ع) پی‌سیم. من سال ۶۲ در برنامه کودک نویسنده‌ی می‌کردم! زندگی من با نویسنده‌گی می‌گذشت.

یعنی محل درآمد نویسنده‌گی بود؟

من با پول نویسنده‌گی ازدواج کردم آن زمان اصلا آقای ایرج پهلمااسب نمی‌دانستند که اتاق روبه‌روی‌شان من بودم. پسر ۶۳ کیلویی که الان ۱۰۰ کیلو شده، من بودم!

می‌خواهم یک افشاگری هم کنم، خانم نوشابه امیری آن زمان همان جا کار می‌کرد و بل و سیاستین را دوبله می‌کرد. او من را نمی‌شناسد، سال‌ها ۸۹، ۸۸ با من تماس گرفت و صحبت کرد که در حال ضبط صدای من بود. وسط مصاحبه وقتی می‌خواست جریان را به سمیتی که می‌خواهد ببرد، گفت که شما صداتون خوبه! گفتم آره، من قبلا دوبلور بودم. یک آدم عاقل آن مصاحبه را از ابتدا تا انتها ببیند، می‌گوید چرا اصلا با یک دوبلور مصاحبه می‌کنند که حتی اسمش را هم نمی‌گویند. اما من جایی ماچرا را نگفته بودم و اولین بار است که این را گفتم که ما همکار بودیم و یادش نبود.

پس شما کار نویسنده‌گی کودک می‌کردید؟

می‌نوشتم و شعر می‌گفتم، من نمی‌خواهم جانماز آب بکشم، اما می‌بینم که همیشه یا در مساجد هستم، یا در هیات‌ها یا تکیه‌ها! نگاه می‌کنم می‌بینم تقوا اندام، اصلا آدم نباید در زندگی فکر کند تقوا دارد که خودش خطرناک است. تحصیلات دانشگاهی و کار و همه به کنار، به من می‌گفتند تو دانشگاه درس می‌دهی، اصلا چرا شعر نمی‌گویی! جواب من این است که «ولم کنیدا» من یک جمله «صلی... علیک یا اباعلی...» بگویم و دل مردم پلرزد، این زندگی و حیات من است، بقیه حسب است، خداوند استعدادهایی داده که من باید پاسخگو باشم. اما هیچ جباری من بهتر از خانه امام حسین نیست.

به‌رغم فرصت‌هایی که در جاهای دیگر داشتید، اما خودتان می‌خواستید در این فضا فعالیت کنید.

می‌دانید اخیرا ۴ رباعی صلوات گفته‌ام، من با طنز صلوات گفته‌ام، با اجتماعی صلوات گفته‌ام. «گفت از همه ذکرها فراتر، صلوات / درمان تمام دردها در صلوات / دانی که خدا حاجت ما را کی داد/ وقتی شنید از لب مادر صلوات»

شاگردان زیادی داشتید، کسانی که حیات حرفه‌ای

مداحی‌شان را از شما دارند. از مجید بنی‌فاطمه تارضا هلالی،

شما رابطه خوبی با جوان‌ها دارید، یادم هست آقای هلالی که

هنوز معروف نشده بود، شما در مسجد دانشگاه به او

میکروفن می‌دادید. این ارتباط با نسل جوان چطور شکل می‌گیرد؟

دو بحث داریم؛ یکی به دانشگاه برمی‌گردد. فضای دانشگاه در دهه ۷۰ به شکلی بود که ما باید بین قشر فرهیخته و توده‌ها ارتباط برقرار می‌کردیم. بعضی‌ها می‌خواستند فقط برای توده‌ها بخوانند بعضی‌ها هم فقط می‌خواستند در فضای فرهیخته‌ها بخوانند.

آدم‌های زیادی می‌خوانند، اما فردی مثل آقای هلالی آدمی است که می‌تواند چهره باشد. آن زمان که به دانشگاه می‌آمد، می‌خواستم حضور داشته باشد تا بداند همه مردم قشر محلی ما نیستند که در کنارمان سینه می‌زنند.

هم می‌شوی همین را باید بگویی که «برای خدا هستی». «انا الیه راجعون» را هم فکر می‌کنند یعنی با مرگ است که پیش خدا می‌رویم اما این طور نیست و ما همیشه در حال مراجعه به خدا هستیم، ما همه برای خداییم و وقتی که بلا می‌آید این مراجعه بیشتر هم می‌شود.

یک سؤال شخصی بپرسم، شما خیلی ناگهانی لاغر

شدید!

ناگهانی نبوده، رژیم سخت داشتم و به مدت چهار ماه شب و روز گرسنگی می‌کشیدم!

احتمالا خودتان نمی‌دانید اما شما در باشگاهی

تمرین می‌کنید که من هم همان جا تمرین می‌کنم و

دیدم‌ام که شما به چه دقت و وسواسی تمرین‌های

ورزشی را انجام می‌دهید! دیگران شما را شکل دیگری

می‌شناسند، باید بعضی حرف‌ها را زد که بشناسند.

چرا همه شکل دیگری از آدم را فکر می‌کنند؟ این جورا چه کسی ساخت؟ رسانه! رسانه‌ها هیولایی از آدم‌ها می‌سازند که آدم تعجب می‌کند. به هر حال بعد از سال ۸۸ فضای رسانه غرب تغییر کرد. مثلا یک آقای مداحی ترانه یک خانم خارج از ایران را خوانده بود، ترانه را در جایی خوانده بود که روی آن هم نشسته بود، این مداح از من ۲۰ سال کوچک‌تر است و این روزهای کرونا بی لباس پوشیده و برای کمک رفته است.

آقای حدادیان خودتان اشاره کردید به این موضوع، همان ویدئو مداح که منتشر شد، همه‌جا با تصویر و

نام شما می‌چرخید، چطور ثابت کردید که شما نیستید؟

ثابت نکردم، چند بار مصاحبه کردم و در تلویزیون گفتم، اما تغییری ایجاد نشد، دیگر وقتی پخش شده بود، کاری برایش نمی‌شد انجام داد.

شما سر ماجرای حرفی که در ارتباط با آقای احمدی‌نژاد و رحیم مشایبی زده بودید، به دادگاه هم

رفتید؟ چه شد که آن حرف را زدید؟

آن صحبت‌ها در یک جلسه خصوصی اول ماه رمضان زده شده بود و دوستانشان آن جا حضور داشتند. من اصلا رضایت نداشتم که این فایل پخش شود و هشت ماه بعد و به شکل کاملا سازماندهی‌شده و ناجوانمردانه‌ای هم منتشر شد. آنها دنبال زندانی کردن نبودند، فقط می‌خواستند حکم بگیرند.

حکمی هم صادر شد، حکم مالی اندکی بود.

حکمی که در رسانه‌ها منتشر شد، غلط بود. حکم در بخش مالی مبالغ بیشتری را شامل می‌شد، همچنین زندان مطابق با آن داشت که چون زیر سه ماه بود به رقم مالی تبدیل می‌شد.

هیچ وقت نرفتید رضایت بگیرید؟ یا حتی تماس بگیرید؟

اصلا نخواستم.

ماچرا را تعریف نمی‌کنید که در تاریخ بماند؟ چون پرونده‌اش هم بسته شده.

نه اصلا، پرونده هم بسته نشده، به هر حال آقای احمدی‌نژاد زحمت‌هایی کشیده برای کشور، اشکالات را گفتم اما زحماتی کشیده که نظیر نداشته است.

پس همچنان روی حمایت از او افاشاری دارید؟

بله، در دور اول که تاکید دارم. در ابتدای دور دوم هم همین طور، اما در ادامه ایشان تغییر موضع دادند.

حاج قاسم‌ماصحیه را با صحبت از حضرت ولی‌عصر (عج) در روز میلاد ایشان به پایان ببریم.

قبل از آن بگویم آمریکا که خودش را ابرقدرت می‌داند، این قضیه کرونا هم پیش آمده، اگر کار خودشان است که و اوایلا! دامن خودشان را هم گرفته.

در همین کرونا که از آن می‌گویید، جای حاج قاسم خالی است.

قضیه کرونا کاملا جهانی است و اولین مساله‌ای است که همه دنیا دنبال منجی هستند. پس کسی هست که باید آن را نجات بدهد. شیعه اثنی عشری دنبال خودش نیست، دنبال نجات جهان بشریت است.

اما درباره حاج قاسم عزیز باید بگویم که یاران ایشان هستند. خود حاج قاسم چند سال است که شناخته شده، ما برایش همایش گرفتیم که تقدیر کنیم، با قدرت آمد که تعطیل کند. حاج قاسم ستاره است و اگر اسطوره‌های ایده‌آلیستی را نگاه کنیم، در واقعیت به همان قصه حاج قاسم می‌رسیم. حاج قاسم باید نماد و دستمایه برای ادبیات نمایشی و هنر کشور ما باشد. اما مثلا کارگردان همان میزان دریافت خودش از فرد را می‌سازد.